

چندین هزار نفر مشغول کارند. وسیلهٔ بالا رفتن آسانسور است یعنی اطاقی که در فضائی شبیه بچاه بوسیلهٔ قوهٔ برق بالا و پائین میرود. طبقهٔ اول عمارات که مساوی با سطح خیابان است معمولاً تخصیص با آسانسور ها داده شده و هر يك از آنها دارای پروگرام خاصی است: یکی تا طبقهٔ دهم سریع السیر و از آنجا بعد بطی السیر میشود یعنی از طبقهٔ دهم بیلا در هر طبقه توقف میکند. دیگری از طبقهٔ اول تا بیستم سریع السیر می باشد یعنی در هیچیک از آن ها مکث نمیکند ولی از بیستم بیلا در هر طبقه می ایستند. سیمی فقط از اول تا دهم میرود بطور بطئی السیر و قس علیهذا. پروگرام مذکور در فوق هر آسانسور نوشته شده و باروشنائی برق جلوه گراست و هر کس هر طبقه را در نظر دارد در آسانسور مطلوب می رود. سرعت این آسانسور ها بحدی زیاد است که اشخاص غیر معتاد سرگیجه پیدا میکنند. من در تمام توقفم در نیویرک هر وقت با این آسانسور ها میخواستم بالا یا پائین بروم حال بهم میخورد و خود مرا بدیوار آنها تکیه میدادم و پاهمرا زمین سخت فشار میدادم. خوشبختانه این حالت چند ثانیه بیش طول نمیکشید و بطبقه ای که میخواستم میرسیدم از طبقات بالا وقتی انسان بخیبان ها نگاه میکند اتوموبیل ها باندازه و شبیه زنبور طلائی و سوسک میباشند. پائین شهر نیویرک روز بروز توسعه پیدا میکند و بتدریج از قسمت بالای شهر جزء آن میشود چنانکه حالا از انتها الیه جنوبی جزیره منهتن را تا کوچهٔ صنم مراکز مؤسسات تجارقی و بانگها گرفته و تحت عنوان پائین شهر نامیده میشود. عمارت گرایسler^(۱) که تا ۱۹۳۰ بزرگترین و بلندترین

(1) Chrysler

عمارات دنیا بود در کوچه ۴۲ است و عمارت امپایر استیت^(۱) که در ۱۹۳۱ افتتاح یافت و دارای ۸۵ طبقه و چهار صد متر ارتفاع است در کوچه ۳۴ می باشد.

روزی که من بمعاینه اداره روز نامه تیمس رفتم رئیس دائره اخبار خارجی من عکسی نشان داد از کوچه چهل و دوم که اداره مذکور در آنجا واقع است و در چهل سال قبل برداشته شده بود. در آنوقت کوچه چهل و دوم صحرا بوده و حالا نقطه مرکزی شهر است و نیویرک از شمال تا کوچه ۲۴۲ رفته است. چون از طرف دیگر دائماً بر جمعیت شهر افزوده شده دو قسمت از جزیره موسوم بجزیره طویل (لانگ ایلاند)^(۲) که در جنوب شرقی نیویرک اصلی واقع شده جزء شهر شده و موسوم اند به بروکلین^(۳) و کوینز^(۴). علاوه بر این در شمال رودخانه هارام و در یک جزیره دیگر موسوم به استتن^(۵) دو قسمت دیگر شهر واقع شده است. این پنج محله است که نیویرک را تشکیل میدهند و تقریباً چهارده کرور جمعیت در آن سکنی دارند. در چنین شهری مسئله ای که خیلی اهمیت دارد و در مرحله اول جلب توجه تازه وارد را میکند وسائل نقلیه است. هر روز چند کرور آدم بقسمت پائین برای داد و ستد رفته عصر مراجعت میکنند. از حیث ازدحام پیاده روهای پائین شهر در روز مانند بازار طهران است در روز عاشورا. صدای وسائل نقلیه روی زمینی و روی هوایی بمحدی زیاد است که انسان باید فریاد کند تا رفیقی که با او دوش بدوش راه می رود

(1) Empire State

(2) Long Island (3) Brooklyn (4) Queens (5) Staten

حرف او را بشنود . چون اغلب اشخاص در نیوزک او تو مبیل علیحده دارند روز ها با اندازه ای در کوچه و خیابان های پائین شهر عبور و مرور مشکل است که یکساعت طول میکشد برای پیمودن راهی که پیاده در ربع ساعت طی میشود . سریعترین و ارزانترین وسیله نقلیه ترنهای زیر زمین و روی هوایی است که در مقابل پنج سنت (که در حکم صد دینار ما است) از هر نقطه شهر بنقطه دیگر انسانرا میبرد . فاصله آن دو نقطه ممکن است چند فرسخ باشد و یکی دو ساعت طول بکشد و معذک حق ورود همان پنج سنت است . ورودیه را هم بلیط فروش نمیگیرد بلکه وقتی انسان داخل محوطه ایستگاه شد در مقابل خود تارمیهائی می بیند که راهرا مسدود کرده اند و در فواصل معین ماشین های بسیار ساده ای است که وقتی يك قطعه پنج سنتی در توی آن انداختید بيك نفر راه میدهد . در اروپا ترنهای زیر زمینی در پاریس و لندن و برلن هست ولی در آنجا چند نفر بلیط فروش و چند نفر ممیز در هر ایستگاه مشغول کارند . در صورتیکه وظیفه آن چند نفر را همین ماشین ساده انجام میدهد و در آن واحد عدّه اشخاصی را هم که وارد میشوند ثبت مینماید . ترنهای زیر زمینی در زیر خیابان ها حرکت میکنند . در زیر با فوق هر خیابان چهار خط آهن کشیده شده دو خط برای ترنهای سریع السیر که تقریباً در هر ده ایستگاه يك مرتبه توقف میکنند و دو خط برای قطار هائیکه در هر ایستگاه مکث مینمایند . مدت توقف چند ثانیه بیش نیست و بمحض اینکه ترن ایستاد درهای اطاق تماماً بوسیله قوه برق يك مرتبه باز میشود و مسافرین با کمال عجله سوار یا پیاده میشوند و فوراً درها بوسیله همان قوه بسته و ترن حرکت می کند

اگر مسافری عجله نکند در بسته میشود و در ترن میاند و مجبور است درس عبرت بگیرد و در ایستگاه آینده زود تر بجنبد. هر کس که ساکن نیویورک است اگر در زندگانی خود مثل سایرین سریع نباشد اوضاع و احوال شهر با او را از محیط خود خارج میکند یا او را قهراً سریع العمل مینماید. اگر در پیاده روه‌های پائین شهر شما بسرعت سایرین راه نروید دیگران شما را با خود می‌برند و همین عمل برای تربیت و تنبه شما کافی است.

هریک از ترنهای زیر زمینی دارای ده اطاق و لا اقل یکصد متر طول و همیشه مملو است از جمعیت بطوری که اگر در هر اطاق نشیمن برای پنجاه نفر هست یکصد نفر دیگر ایستاده مسافرت میکنند و با اصطلاح جا نیست سوزن بیفتند. چون چرخهای این اطاقها از فولاد و در روی خط آهن حرکت میکند صدای فوق العاده میکند و در این دالان زیر زمینی که سیر مینماید صدا منعکس شده و بطوری در گوش و عصب شخص غیر معتاد اثر میکند که ما فوق آن متصور نیست. یکی از معاین دارالفنون میگفت بسیاری از مردم از سکونت در نیویورک حال جنون پیدا کرده اند و هر کس که مزاج و استحکام اعصاب خود اطمینان نداشته باشد خطرناک است اینجا بیاید. ترنهای روی هوایی در ارتفاع بیست و پنج متر از زمین در روی پلی حرکت میکنند که تماماً از آهن و فولاد ساخته شده و پایه‌های آن بمفاصله ده متر روی سطح خیابان واقع است. در سه خیابان این پل از اول تا آخر نیویورک کشیده شده و بنا بر این هر رشته دارای چند فرسخ طول میباشد. برای سوار شدن در ترنهای زیر زمینی انسان باید در ایستگاه از پلکان پائین برود و چون توقفگاههای

ترنهای هوایی در هوا است باید از پلکان بالا رفت. در خیابان‌هایی که ترن هوایی دارد در زیر پله‌های آن واگون برقی در سطح خیابان عبور و مرور مینماید و چون خیابان‌ها عریض است در دو طرف پایه‌های پله‌ها وسعت کافی برای راندن اوتومبیل موجود است. کسی که از این خیابان‌ها گذر کند اگر معتاد نباشد صدای عبور ترن‌ها در روی پله‌های آهن - صدای اوتومبیل‌ها - صدای واگون‌های برقی - ازدحام مردم او را هراسناک میکند و واقعاً باید انسان حوصله و صبر و اعصاب قوی داشته باشد تا بتواند تاب مقاومت بیاورد. روزی این مسئله را بیک نفر از دوستانم که مهندس معمار بود گفتم. گفت همانطوری که شما از صدای بلبل و جویبار محظوظ میشوید ما از صدای ماشین لذت می‌بریم.

چنانکه در فوق گفته شد قسمت اصلی نیویورک جزیره‌ای است که از اطراف رود خانهای وسیع و عمیق آنرا احاطه کرده. و برای مربوط ساختن این قسمت اصلی بقسمتهای دیگر شهر و بمملکت نیوجرسی^(۱) که در آنطرف رود خانه هودسن واقع است پله‌ها و تونلهای عظیم ساخته شده که ترقیات علوم و صنایع امریکا را جلو بر می‌سازد. بعضی از آنها تنها برای عبور قطار ساخته شده و برخی دیگر فقط برای عبور اوتومبیل و اتوبوس و واگون برقی و بالأخره عده از آنها چند طبقه دارد و تمام وسایل نقلیه هر کدام از یک طبقه آن عبور میکنند. یکی از این تونل‌ها معروف است بتونل هلاند که اسم مهندسی است که آنرا ساخته. این تونل نیویورک را بمملکت نیوجرسی متصل میکند و تقریباً دارای دو کیلومتر طول و ده متر عرض است و در زیر رودخانه

(۱) New . jersey

هودسن واقع میباشد. يك تونل برای رفتن و دیگری برای برگشتن و هر دو مخصوص اوتومبیل و اتوبوس میباشد. در هر يك از آنها دو اوتومبیل بزرگ میتوانند پهلوئی بکدیگر راه بروند. در دو طرف سرتاسر پله‌کافی است که محل اقامت مأمورین عبور و مرور میباشد. مأمورین مذکور مراقبت دارند که کسی از پنجاه کیلومتر در ساعت تندتر نراند. عدّه چراغ برق در این تونل بجدی است که اختلاف زیاد با روز روشن ندارد. یکی از پلهای مهم پل معروف به پل رود خانه هودسن است که نیویرك را بمملکت نیوجرسی مربوط میکند. این پل تماماً از آهن و فولاد ساخته شده و بزرگترین پل معلق دنیا است. فاصله بین دو پایه ای که پل بدان معلق است هزار و دویست متر میباشد و باندازه ای از سطح آب ارتفاع دارد که کشتی های جنگی بزرگ از زیر آن عبور می کنند.

در چهار روزی که در نیویرك بودم باندازه ای سرعت سیر و کثرت صدا و عظمت و ارتفاع عمارات و ابنیه و تفوق ماشین و کرور کرور جمعیت و ازدحام مردم بر من که چند سال در بزرگترین شهر های اروپا تحصیل کرده بودم اثر کرد که حالت بهت برای من دست داد. باندازه ای از ورود بان محیط معذب شده بودم که از کرده خود پشیمان آرزوی مراجعت بایران را میکردم.

فصل سوم

يك هفته در کوهستان

چشم های خیره شده - گوش های پر از صدا - اعصاب خسته مرا

دعوت مؤسسه تربیت بین‌المللی^(۱) راحت کرد. مؤسسه مذکور از طرف نوع پروران امریکا بعد از جنگ عالم گیر بوجود آمده و منظور اصلی آن انتظام امور محصلینی است که بین آمریکا و ممالک خارجه مبادله میشود. امسال در ماه سپتامبر قریب یکصد نفر بوسیله این مؤسسه برای تحصیل با امریکا آمده اند و برای آنها وسایلی فراهم کرده اند که يك هفته در نقطه ای جمع شده با هم آشنائی پیدا کنند و اشخاص مهم نیز اوضاع و احوال امریکا را برای آنها تشریح کنند تا بدین ترتیب قبل از رفتن بمدارس خود اطلاعات کلی را جمع بیاورند و حاصل کرده باشند. محلی که انتخاب کرده بودند مدرسه ای است واقع در نزدیکی شهر کرنوال^(۲) تقریباً شصت میل در شمال نیورک. مدرسه مذکور در وسط جنگل و در فراز کوهی است مشرف برود خانه هودسن موسوم به استرم کینگ^(۳) بهمین جهت خود مدرسه را نیز با اسم آن کوه میخوانند. عده ای از محصلین تازه وارد در خانه بین‌المللی منزل داشتند. روز ۱۴ سپتامبر دعوت نامه ای از مؤسسه تربیت بین‌المللی برای من رسید که بنا بر تذکر پروفیسور منرو از شما خواهش میشود در تجمع محصلین ما شرکت نمائید. روز چهاردهم مستر بری^(۴) معاون مؤسسه در خانه بین‌المللی در فلان ساعت خواهد آمد و اطلاعات لازم را در خصوص مسافرت بمحل تجمع خواهد داد. صبح روز پانزدهم از لنکر گاه کوچه ۱۲۵ بوسیله کشتی که در رود خانه هودسن ذهاب و ایاب میکنند بمعیت معاون مؤسسه و قریب پنجاه نفر محصل خارجی عازم کرنوال شدیم.

(1) Institute of International Education (2) Cornwall

(3) Storm king. (4) Golden Berry

کشتی هائی که در رود خانه هودسن رفت و آمد میکند عموماً برای حمل مسافر است و از حیث بزرگی برابر است با کشتی های روسی در دریای خزر . فرقی که دارند اینست که کشتی های رود خانه مذکور نظیف و دارای وسائل راحتی هستند و هر يك جا برای چند هزار نفر مسافر دارند در صورتیکه کشتی های روسی فاقد وسایل بوده و عده بسیار قلبی مسافر و مقداری بار حمل مینمایند .

ابتدا از زیر پل معلق رود خانه هودسن (که در فصل دوم اشمی از آن برده شد) گذشتیم و چند دقیقه در مقابل قدرت علم و نتیجه سعی و عمل امریکائیهها تحسین میکردیم . سپس در روی عرصه کشتی بصحبت کردن با رفقای تازه پرداخته و در ضمن تماشای دو ساحل رود خانه مشغول بودم . یکی از آنها که آلهانی بود میگفتم شما که برود خانه رن میباید ملاحظه کنید چقدر طبیعت با همین نقطه که تماشا میکنیم مساعدت کرده است . مشرف بر دو ساحل بلندی هائی است که منظره بطرف رود خانه باین میآیند و پوشیده شده است از جنگل . در کنار آب از دو طرف راه آهن کشیده شده و هر چند میل بچند میل دود کشتیهای يك کار خانه نمایان است . هم قشنگی و صفا وجود است هم صنایع و وسایل نقلیه . البته این منابع طبیعی ثروت و این اوضاع جغرافیائی خیلی کمک بترقیات امریکا کرده ولی اگر مجاهدت و جدیت خود اهلالی نبود آیا ممکن بود ربع مال التجاره ایکه در روی زمین ایجاد شده توسط امریکائیهها خلق شود ؟

از دیک ظهربه لنگرگاه کوه خرس^۱ که در ساحل غربی رود خانه است رسیدیم . در

آنجا از گشتی پیاده شده در انوبوسهائی که قبلاً حاضر کرده بودند سوار و پس از نیمساعت در مدرسه استرم کینگ بودیم.

این مدرسه مؤسسه ای است ملی و شبانه روزی که دارای پنج کلاس متوسطه است. محصلین در هفت عمارت مختلف منزل و تحصیل مینمایند. اراضی مدرسه یکصد و بیست هزار متر مربع و مشرف است برود خانه هودسن و در ارتفاع سیصد و سی متر واقع و از اطراف کوه و جنگل آنرا احاطه کرده است.

چون تاریخ افتتاح آن ۲۶ سپتامبر است و تا آنزمان مدرسه خالی است لذا مؤسسه تربیت بین المللی با هیئت مدیره مدرسه قرار داده است محصلین خارجی را برای یکم هفته بخرج آن مؤسسه بپذیرند. پس از ورود بمدرسه هر يك باطابق رقتیم که قبلاً برای ما معین کرده بودند و بعد از شست و شو در اطاق ناهار خوری حاضر شدیم. در آنجا ده پانزده میز بزرگ گرد بود که دور هر يك ده نفر مینشستند. جای مرا پهلوی معاون مؤسسه و خانم ایشان قرار دادند. پس از صرف ناهار معاون مذکور اظهار داشت که تا ساعت شش هرکس میتواند بانواع ورزش ها و تفریحاتی که در مدرسه فراهم است (از قبیل فوتبال بیس بال و تنیس و شنا در چالحوزی که در عمارت مخصوص واقع و آب آن مثل اشک چشم صاف و همیشه در درجه حرارت ثابتی نگاهداشته میشود) خود را مشغول سازد تا سایر محصلین خارجی که با ما نیامده بودند وارد شوند.

پس از آن هیاهوی نیویرک و آن اطاقهای کوچک خانه بین المللی و آن عمارات آسمان خراش ورود بنقطه مفرح و خلوتی مانند استرم کینگ

یکی از نعمتهای غیر مترقب بود. من در دوسه ساعتی که وقت داشتم بگردش در اراضی و عمارات مدرسه و جنگلهای اطراف آن پرداختم و ضمناً با بعضی از معلمان مدرسه و محصلین خارجی آشنائی پیدا کردم. پس از صرف شام در اطاق بزرگی جمع شدیم و بهر يك از ما پروگرام چاپی دادند که در آن ذکر شده بود هر روز و هر ساعت از هفته را چگونه صرف وقت خواهیم کرد. عده محصلین و محصلات قریب یکصد نفر بود که از ممالک ذیل بودند: انگلستان - آلمان - فرانسه - اطریش - لهستان - چک اسلواکی - مجارستان - سویس - برزیل - ایتالیا - رومانی - یونان - آلبانی - ترکیه - هندوستان و فنلاند و چند مملکت دیگر. از ترکیه یک نفر دختر بیست و سه ساله بود موسوم بعصمت خانم سُرّی دختر مدیر یکی از جراید از میر و من متعجب شدم که این خانم زبان انگلیسی و فرانسه و آلمانی و ترکی و فارسی و عربی را میدانست و با وجاهت و جوانی که داشت تنها از ترکیه با آمریکا آمده بود و از صحبت هائی که با او داشتم استنباط کردم که زنهای ترکیه از حیث تربیت و معاشرت با مرد فرسنگها و سالها از زنهای ایران جلو هستند. سایر محصلین و محصلات اغلب در ممالک خود دارای مقاماتی هستند از قبیل رئیس مدرسه - رئیس بهره برداری کارخانه - نایب رئیس بانگ رئیس تعلیمات - متخصص فلاحات - معلم دروس تجارتي و غیره. سن آنها بین بیست و چهار و چهل و پنج است.

مطابق پروگرام شب اول بعد از شام دکتر دگن^(۱) رئیس مؤسسه تربیت بین المللی که سابقاً معلم تاریخ دارالفنون کلبیا بوده و دانشمندی

[1] Dr. Stephen P. Duggan

است بسیار با محبت نطق اول را ایراد و پس از تبریک ورود بمحصلین اطلاعات کلی راجع بوضع تعلیم و تربیت در امریکا داد. منجمله اظهار داشت: در اروپا سه مرحله برای تحصیل هست که عبارت باشد از ابتدائی و متوسطه و عالی در صورتی که در امریکا چهار مرحله وجود دارد: ابتدائی - متوسطه - کالج - دارالفنون. دوره ابتدائی و متوسطه مجموعاً دوازده سال و دوره کالج چهار سال است. در دارالفنون تحصیلات فنی میکنند و دوره آن بسته بفتی است که در پیش گیرند. در اروپا همین که محصل از مدرسه متوسطه خارج شد دیگر در دوره عالی اولیای مدرسه از او مراقبت ندارند و حال آنکه در امریکا در کالج و دارالفنون محصل در تحت مراقبت دائمی است. مقصود از این مراقبت وارد آوردن فشار نیست بلکه بین محصل و معلم روابط دوستانه ایجاد میشود بطوری که محبت واقعی بین آنها تولید میگردد و چه بسا محصلینی که محرم راز خود معالمن کالج یا دارالفنون را قرار میدهند. محصلین و معالمن تمام اوقاترا در کالج با هم بسر میبرند: غذا باهم میخورند - گردش باهم میروند - بازی باهم میکنند - بحث در دروس را باهم مینمایند. همین علاقه محصل معلم و کالج (که عموماً شبانه روزی است) موجب تمول فوق العاده کالج های امریکا شده زیرا که پس از فراغ از تحصیل هر کدام باندازه ای که موقعیت آنها اجازه میدهد با کمال طیب خاطر کمک کالج خود میکنند و همیشه عضو جامعه فارغ التحصیل های کالج خود میباشند. تنها در سال ۱۹۲۹ مبلغ یکصد میلیون دلار از طرف محصلین فارغ التحصیل کالج های امریکا تقدیم شده است. اختلاف دیگری که بین دارالفنون های اروپا و کالج های امریکائی

هست این است که در اروپا کسانی را که بمدرسه متوسطه میپذیرند از طبقات ممتازه هستند و از بین این طبقات کسانی را که در امتحانات فائق شوند در دارالفنون قبول میمایند. در امریکا تمام وسائل فراهم شده که تمام افراد ملت دوره مدارس متوسطه را به پیمایند و از بین کسانی که فارغ التحصیل میشوند نصف وارد کالج میشوند. این افراد از هر نقطه نظر با هم مساوی هستند و هیچگونه مزیتی افراد بر یکدیگر ندارند. نه مزیت مالی و اقتصادی و نه تشخص خانوادگی. عده زیادی از محصلین چون بضاعت زیاد ندارند مجبورند برای غذا و اطاقی که در کالج بآنها میدهند روزی چند ساعت در مدرسه کار کنند. کارهاییکه در اروپا و کروکلفت انجام میدهند از قبیل شست و شوی ظروف آشپزخانه - خدمت کردن در اطاق نهار خوری - بالاپائین آوردن آسانسور و غیره توسط این نوع محصلین انجام میشود و معذالک هیچ نوع اختلافی بین آنها و سایرین نیست و همه بیکدیگر بنظر تساوی مطلق نگاه می کنند.

پس از اتمام نطق مطابق مرسوم امریکا از شنوندگان سؤال کردند هر کس سؤالی دارد بنماید و من چندین سؤال کردم و باین سبب حضار همه از وهله اول با من آشنائی پیدا کردند.

بعد از دکتر دگن رئیس مدرسه استرم کینگ تبریک ورود محصلین را بمدرسه اظهار داشت. وقتی نطق او تمام شد ساعت ده بود چون همه خسته بودیم با طاقهای خواب خود رفتیم.

در مدت اقامت در نیویورک چنانکه در فصل دوم گفته شد بواسطه نای عبور مرور خیابانها يك شب خواب راحت نداشتم. در استرم کینگ هم هوا بسیار لطیف و خنک بود هم آرامش و سکوت مطلق

حکمرما بود . برای مرتبه اول در خاک امریکا توانسم استراحت کنم و معلوم شد که امریکا شهر نیویورک نیست و نقاط مصفا و روح بخشی دارد که انسان از گذراندن عمر در آنجا لذت میبرد .

پروگرام روز سه شنبه ۱۶ سپتامبر :

از ساعت ۱۰ تا ۱۱ دو نفر از اعضاء مؤسسه تربیت بین المللی که زبان آلمانی میدانستند و از وضع تعلیم و تربیت آلمان و تطبیق آن با تحصیلات امریکامستحضر بودند اطلاعات لازم بمحصلین و محصلات آلمانی میدادند از قبیل اینکه هر کدام در کدام مدرسه باید بروند از کدام ایستگاه باید سوار شوند - مخارج مسافرت از چه قرار است روز افتتاح مدرسه در چه تاریخ است و غیره .

ساعت ۱۱ چهار اتوبوس بزرگ حاضر و ما را بیارک کوه خرس بردند . کوه خرس نزدیک بکوه استرم کینگ و دارای مناظر طبیعی بسیار با صفاست . راهی که از مدرسه تا پارک ساخته شده از سمت مسلح و در دامنه کوه و امتداد رود خانه هودسن است . نیمساعت از ظهر بیارک رسیدیم .

پارک کوه خرس عبارتست از جنگل بسیار عظیمی در کوهستان مشرف بر دره رود خانه هودسن که بین درختان آنرا از علف و گیاه خالی کرده صندلی و نیمکت های چوبی در فواصل معین بر زمین نصب کرده اند و در نقاطی که ممکن بود فضائی باندازه دوپست سیصد متر جهت چادر زدن و اجتماعات ترتیب داده اند . برای صفا دادن بجنگل نیز چندین دریاچه در محل های مناسب ایجاد و بر روی لنگه انداخته اند . تقریباً در هر سیصد متر فاصله مستراح های عمومی

ساخته شده است. برای آب آشامیدنی نیز از چشمه های مجاور لوله کشی کرده سقاخانه هائی ساخته اند که گردش کنندگان مجبور نشوند با آب با خود ببرند و یا آب های غیر سالم بنوشند.

قریب نیمساعت در این جنگل با اتوبوس تا نزدیک ناحیه دریاچه «دوقلو» پیاده شدیم. فوراً مطابق دستور روز بنا شد ناهار صرف شود. ناهار بسیار مطبوعی بطور پیک نیک (Picnic) تهیه کرده بودند: چندین زنبیل مملو بود از انواع و اقسام ساندویچ (نان کره که در وسط آن گوشت مرغ یا سالاد یا تخم مرغ یا مربا یا پنیر میگذارند). برای دسر چند شاخه بزرگ موز آورده بودند با نان های شیرینی - چای و قهوه هم فیالمجلس خود محصلین یا آنشی که از شاخه های خشک درختها تهیه کردند حاضر نمودند - آب آشامیدنی نیز از لوله هائی که در آنجا بود و از چشمه میآمد برداشته شد.

پس از خوردن ناهار همه در نقطه ای زیر درختان بسیار مرتفع جمع شدیم و مستر هری^(۱) معاون کمیته «روابط دوستانه بین محصلین خارجی» راجع بانتظاراتی که از مبادله محصلین در نظر هست صحبت داشت. نتیجه آنی این مبادله بی بردن علوم و ادبیات و افکار ملل است و نتیجه حقیقی آن شناسائی و تولید الفت بین افراد بر جسته عالم و استقرار صلح. مشار الیه ضمن نطقش اظهار داشت در ۱۹۲۹ ده هزار نفر محصل و محصله با امریکا آمده و در همان سال سیزده هزار نفر مبلغ از امریکا باقطار عالم رفته اند.

بعد از مشار الیه هارز ولج^(۲) مهندس و رئیس بارک در خصوص بارکهای

(1) Charles D. Hurry (2) William T. Welch

امریکا بیاناتی نمود و اظهار داشت ورزشکاری یکی از تفریحاتی است که امریکائی ها بآن علاقه زیاد دارند . يك نوع از این ورزش زندگانی در این قبیل پارکها است در فصل تابستان . خانواده ها و مخصوصاً مدارس برای خود چادر زده غذاهای خودشانرا تهیه میکنند و اوقات خود را بگردش در جنگل و کوه و لنگه رانی در دریاچه ها و اقسام و انواع بازی ها از قبیل گیلف و تنیس و بیس بال و غیره میگذرانند . در همین پارک که بیست میلیون دلار تمام شده در تابستان گذشته هشتاد و پنج هزار نفر چادرزده و زندگانی کرده اند و ۱۷۰۰ نفر معلم مربی آنها بوده است . علاقه مردم باین قبیل پارکها بحدی است که در ۱۹۲۰ عده آنها ده و حالا پانصد و هشتاد است .

سه ساعت بعد از ظهر نطقها تمام شد و با اتوبوس عازم گردش در پارک شدیم . تماشای هر قسمت آن يك نوع لذتی داشت . گاهی در وسط درختهای انبوه بودیم و گاه در فراز کوه در سیصد چهارصد متر ارتفاع نسبت بسطح رود خانه هودسن . از این ارتفاع تمام دره رودخانه و جنگل هائی که در ساحل مقابل هست و عمارات و ابنیه و کشتی ها و ترن ها و کارخانهها پیدا بود و منظره بسیار عالی از طبیعت و از مصنوعات بشر نشان می داد .

ساعت شش بمدرسه رسیدیم . مطابق پرگرام هر روز ساعت شش ونیم شام می خوردیم . بعد از شام مستر پوگسلی^(۱) نایب رئیس بانگ ملی بلوک وست چستر^(۲) که یکی از زیبا ترین و متمولترین بلوک مجاور نیویورک است در خصوص « نفوذ کالجهای آمریکا در روابط خارجی »

(1) Chester D. Pugsley

(2) Westchester County.

صحبت داشت. مشارالیه نظر بعقیده ای که در باب نفوذ کالجهای امریکا در استقرار برادری و صلح در عالم دارد در کالجی که خودش تحصیل کرده يك کروور دولار برای محصلین هر يك از ملل حیه عالم تخصیص داده تا چنانچه مایل بتحصیل حقوق بین الملل باشند بآنجا رفته از باب منفعت مبلغ مذکور چهار صد دولار دریافت دارند. پس از نطق مشارالیه بمن گفت شرحی در این خصوص بوزارت امور خارجه ایران هم نوشته شده. من جواب دادم بواسطه دوری زیاد و کثرت خرج سفر و قلت این مبلغ تصور نمیکم از ایرانیها کسی برای این منظور بامریکا بیاید مگر این که شخصی قبلاً از ایران آمده باشد و از این کمک خرج استفاده کند. گفت در این صورت منافع وجهی که وقف کرده ام بر اصل آن افزوده میشود تا وقتی که منافع سرمایه کافی برای جلب محصل باشد.

ساعت ۹ بعد از ظهر کنسرت سیاه پوستان بود. در امریکا قریب سیزده میلیون سیاه پوست هست که اکثر آنها در ممالک جنوبی از قبیل جرجیا و فلوریدا و کارلینهای شمالی و جنوبی سکونت دارند. زبان آنها البته زبان انگلیسی و مذهب آنها مسیحی است و از اولاد کسانی هستند که آنها را در قرن هفدهم و هیجدهم از افریقا بعنوان برده بامریکا برده اند. اعیان و اشراف انگلیسی که بامریکا رفته بودند توسط آنها کارهای پر مشقت فلاحی و زراعت را انجام می دادند. چیزی که از آداب آنها باقی مانده یکنوع موسیقی و طرز خواندن مخصوصی است که در وقت مسیحی شدن روایات و اخبار مسیحی در ترکیب آنها تأثیر کرده. کنسرت امشب توسط دوازده نفر از آنها انجام میشد که مخصوصاً از نیو یورک جلب شده بودند و گاهی با هم آواز میخواندند

و هنگامی با اسبابهای مختلف میزدند . گرچه امریکائیهایی از موسیقی سیاه پوستان خوششان میآید ولی روی هم رفته من آنرا دوست نداشتم زیرا که نه آن جنبه فرح بخش موسیقی مغرب زمین را دارد و نه آن اثرات تفکر آور و حزن انگیز موسیقی ایرانرا .

یکساعت به نصف شب باطاق خواب رفتیم .

پروگرام . چهار شنبه ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۰

از ساعت ده تا یازده و نیم دادن اطلاعات لازم بمحصلین و محصلات ممالک امریکای جنوبی و آلمان ساعت یازده و نیم برداشتن عکس از کلیه حضار . ظهر : نهار و پس از صرف آن نطق مستر ویلیامس^(۱) منشی کل اتحادیه ملی محصلین در خصوص « نهضت بین محصلین » - بعد نطق دکتر وان کیرک^(۲) منشی دوم کمیسیون صلح و حسن نیت بین المللی از « شورای کل کلیسیاهای مسیح در امریکا » [راجع براهبانی که بطرح هدایت مینمایند . ساعت دو و نیم بعد از ظهر بوسیله اتوبوس برای معاینه و امرکالج که مختص بنخانم ها و واقع است در شهر پوکیپسه^(۳) عازم شدیم چون این شهر در ساحل شرقی رود خانه واقع است ابتدا در ساحل غربی بطرف شمال رانندیم و در مقابل آنجا اتوبوس ها داخل یکی از کشتی های عظیمی شد که مسطح و مانند يك تخته هموار میباشد (بانگلیسی آنها را فری^(۴) می نامند) و همانطور که در اتوبوس سوار بودیم بساحل شرقی رود خانه رفتیم . قریب دو ساعت با کمال عجله عمارات مدرسه را از قبیل اطاق های خواب و اطاقهای درس و کتابخانه و کلیسیا

(1) Chester Williams (2) Van Kirk (3) Poughkeepsie

(4) Ferry

معاینه کردیم و رئیس و معلمین و معلمات مدرسه از ما پذیرائی کردند ساعت هفت و نیم در مدرسه استرم کینگ مراجعت کرده بودیم و پس از شام دکتر مین^(۱) رئیس گرینل کالج در خصوص وظایف کالج های امریکا نطقی که نوشته بود خواند. خطابه مذکور بحدی معلق و مبهم بود که نزدیک بود همه حضار بخواب روند. همینکه تمام شد پیچ دیوار را گردانند و موزیکهایی که در نیویورک برای رقص زده میشد عیناً بحالت طبیعی (نه مثل گرامافون) شنیده میشد. در اطاق بزرگی که نطقها ایراد میکردید صندلیها را کنار گذاردند و مجلس رقص تشکیل و محصلین و محصلات تا نیمه شب مشغول شدند.

پرگرام پنجشنبه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۰

از ساعت ده تا دوازده دادن اطلاعات لازم بمحصلین و محصلات اطریش - چک و اسلواکی - مجارستان - ایتالیا و سویس. نیمساعت از ظهر گذشته ناهار.

پس از صرف ناهار پروفیسور منرو رئیس مؤسسه بین المللی دارالفنون کلمبیا در خصوص دارالفنونهایی امریکا و محصلین خارجی آن صحبت داشت. من جمله بیان کرد که در اروپا محصلین مدارس عالی از طبقات ممتاز و طبقه معروف به طبقه منوره^(۲) است و محصل از روز ورود بدارالفنون جزء آن طبقه محسوب میشود. در صورتیکه در امریکا چون دموکراسی وجود دارد محصلین از تمام طبقات هستند (گرچه در امریکا از لحاظ اجتماعی طبقه وجود ندارد و اگر اختلافی در بین مردم هست از نقطه نظر اقتصادی و کثرت یا قلت ثمنول است) و اساساً تحصیل یک قسمت از

(1) John T. Main. (2) Classe éclairée & Classe intellectuelle.

زندگانی است . در اروپا طبقهٔ محصل دارالفنون در تحت نفوذ طبقهٔ منور واقع است ولی در امریکا محصل در همه چیز ذی لفع و علاقه مند میباشد . در اروپا عموماً کسی که دارالفنون را با تمام میرساند آن مؤسسه را فراموش میکند در صورتیکه در امریکا فارغ التحصیل های مدارس عالی وفا داری کامل نسبت بمدرسه خود دارند و بخودی خود جزو آلمنی^(۱) یا مجمع فارغ التحصیل ها میشوند و همین علاقه و وفا داری موجب تمول کالج های امریکا شده است .

بعد از پرفسور منرو خانم ویگین^(۲) منشی کمیتهٔ بین المللی محصلات جامعه خانمهای جوان Y.W.C.A در موضوع تشریک مساعی امریکا در مسائل مربوط بمحصلات خارجی نطق کرده .

ساعت دو و ربع بوسیلهٔ اتوبوس عازم مدرسهٔ نظامی دولت امریکا شدیم که در وست پوینت^(۳) نزدیک مدرسهٔ خودمان بود . مدرسه در وسط جنگل و مشرف برودخانه هودسن است . از محل ورود باراضی مدرسه تا اولین عمارت قرب یکربع با اتوبوس طول کشید . در آنجا مریهنگی که نایب رئیس بود از ما پذیرائی نمود و اطاق ناهار خوری و اطاقهای خواب محصلین و کلاسهای درس را بما نشان داد و چون دیدن تمام عمارات وقت ممتد لازم داشت صرف نظر شد . این مدرسه برای تهیهٔ صاحبمنصب است جهت قشون دولت امریکا . با وجود اینکه امریکا از حیث وسعت برابر است با تمام اروپا و از حیث جمعیت دارای ۱۲۲ میلیون سکنه است تمام قشونش از یکصد و چند هزار نفر تجاوز نمیکند زیرا که اولاً امریکا از طرف مشرق و مغرب اقیانوس اطلس و کبیر آنرا احاطه کرده و از

(1) Alumni

(2) Anne Wiggin

(3) West Point

لرف شمال و جنوب هم با کانادا و مکزیك که دو مملکت ضعیف و کم جمعیتی هستند همسایه است. بنا بر این جهت دفاع خود احتیاج به شون زیاد ندارد. ثانیاً هرگاه احتیاج بقشون حاصل کند چون در تمام مدارس فلاحی دروس نظامی هم تدریس میشود همانطور که در جنگ بین الملل متجاوز از ۲۸ هزار نفر صاحبمنصب از مدارس مذکور گرفته شد در مواقع فوق العاده نیز از آنها استمداد خواهد شد ثالثاً وضع تربیت و تشکیلات اجتماعی امریکا طوری است که در وقت ضرورت بسیاری از مؤسسات را میتوان موقتاً تبدیل بمدارس نظامی نمود.

این يك مدرسه که دارای هزار و دوست و شصت محصل و ۱۹۵ نفر معلم است برای تهیه صاحبمنصبان قشونی کافی است. اشخاصی که وارد میشوند علاوه بر اتمام تحصیلات متوسطه باید به نسبت معینی از طرف عضو مجلس سنای امریکا معرفی شوند تا بدین ترتیب هر يك از ممالک چهل و هشتگانه از اهالی خود در این مدرسه محصل داشته باشد. هر روز نصف از محصلین در ساعت چهار و نیم بلباس فاخر صاحبمنصبی ملبس و در میدان وسیعی که باندازه میدان مشق تهران و از چمن پوشیده شده است بترتیب خاصی سان میدهند. پس از تماشای سان مذکور در ساعت پنج و ربع بمدرسه استرم کینگ مراجعت کردیم.

شب بعد از صرف شام ابتدا مستر و بلککس^(۱) نایب مدیر روزنامه هرالدهرالد تریبیون^(۲) منطبعه در نیویورک در باب «مطبوعات امریکا و امور خارجه» صحبت داشت. مطابق بیانات مشار الیه در امریکا هرروز بیست و پنج میلیون آدم روزنامه میخوانند و روزی سه هزار جریده

(1) Grafton Wilcox (2) Herald Tribune.

یومیه منتشر میشود. در سال ۱۹۲۹ چهل ملیون کلمه راجع باخبار خارجه از خارج باامریکا مخابره شده است.

پس از ناطق مذکور دکتر لیندزی (۱) معلم فاگولته علوم سیاسی دارالفنون کلمبیا راجع بمؤسسات اجتماعی امریکا حرف زد و بنظر من مهمترین مطلبی که اظهار داشت این بود که در امریکا همه امور از نقطه نظر اقتصادی حل میشود و محض مثال گفت امروز در شهرهای بزرگ خانوادها اطفال خود را از دو سالگی بمدرسه مادرانه میگذارند و علتش اینست که اولاً زنها بقدر مریه ها و متخصصه های مدارس مادرانه اطلاع و تجربه ندارند و صرفه ندارد برای دوسه نفر فرزندی که پیدا خواهند کرد چند سال تحصیل و عمل کنند تا در بچه داری ماهر شوند. ثانیاً هر يك از زنها در يك رشته خاصی تحصیل کرده اند و از آن ممر ماهیانه عایدی ثابت دارند و چنانچه بنا شود به بچه داری در خانه پردازند باید از آن عایدی صرف نظر کنند در صورتیکه همان کار بچه داری را با مبلغ خیلی کمتر و بوجه خیلی بهتری میتوان بوسیله مدرسه مادرانه انجام داد.

پروگرام جمعه ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۰

از ساعت ده تا دوازده: دو دسته از اعضاء مؤسسه بین المللی تربیت اطلاعات لازماً بمحصلین و محصلات میدادند. بعد از ناهار مستر یوگسلی (۳) رئیس بانک ملی بلوک وست چستر که سابقاً عضو سنای امریکا بوده راجع بمالیه امریکا صحبت داشت و پس از او مستر جیننگز (۲) نائب رئیس انجمن «دوستان امریکائی ترکیه» در

خصوص فوائدی که از تربیت خارجیها میشود برد نطق مہدیجی ~~کرد~~.
 دو ساعت بعد از ظهر بوسیله اتوبوس عازم شهر نیویورک (۱) شدیم
 تا در مجاورت آن محلی که ژنرال واشینگتن رئیس ارکان حرب قوای
 دفاعیہ امریکا در موقع انقلاب ۱۷۷۶ و جنگ استقلال بر علیه انگلستان
 منزل داشت مشاهده کنیم. پس از آن چایرا مهمان کلوپ (کشتی و بیلاق)
 بودیم که جنب محل مذکور بود و چهار نفر از خانمهای محترم میزبان
 بودند. در موقع صرف چای معرفی اشخاص بیکدیگر بعمل آمد. مرا
 با دو نفر آشنا کردند که یکی از آنها خانمی بود که خود را پرنسس
 (شاهزاده خانم) مینامید و میگفت پدرش وارث تاج و تخت گرجستان
 است. دیگری نایب رئیس مهمترین آژانس اخبار امریکا آسوسیتد
 پرس (۲) بود. باو گفتم يك هفته است من بمملکت شما وارد شده ام
 و در این مدت آرزو کردم يك سطر راجع بایران در جراید بخوانم
 و متأسفانه نخوانده ام. چرا هیچگونه خبر در خصوص ایران انتشار
 نمیدهند؟ گفتم من خبر ما اطلاع داد که در روزنامه های ایران اخباری
 طبع نمیکند که از لحاظ ملی یا بین المللی ارزش مخابره کردن با امریکارا
 داشته باشد و بوسیله خبر دیگر هم کسب خبر برای او میسر نبود. باین
 جهت ما امروز مستقلاً در ایران مخبر نداریم و از اسلامبول گاهگاهی
 اخباری که بانجا برسد ما تلگراف میکنند.

همین که چای صرف شد کلنل ریچاردسون (۳) عضو هیئت مدیره ورزش
 مدرسه نظامی امریکا در باب انواع ورزشهایی که در آن مدرسه معمول
 است حرف زد.

مهمترین نطقی که امروز ایراد شد از طرف سر تیب پیرس (۱) بود که پس از شام و قریب یکساعت طول کشید. سر تیب مذکور نایب رئیس شرکت نفت استاندارد و در امریکا دارای مقام مهمی است. نطق او در موضوع اقتصادیات امریکائی ها و کمال مطلوب آن و بحدی جالب توجه بود که بر حسب خواهش من سوادی از یادداشتهای خود را بعداً جهت من فرستاد. خلاصه آن یادداشت ها بقرار ذیل است:

در ابتدا مشارالیه قوت عوامل اقتصادی را در تاریخ بشر خاطر نشان کرد و اظهار داشت عوامل مذکور در تصمیمات بنی آدم در ازمینه گذشته بیشتر از جمیع عوامل دیگر مؤثر بوده همین جهت تشریح توسعه اقتصادیات امریکا و علل آن در صدها جلد کتاب بعمل آمده و در یک خطابه مختصر نمیتوان گنجانید. فقط کاری که میشود کرد اینست که بعضی حقایق مهم گوشزد و نتایجی از آن اخذ شود.

جمعیت امریکایک شانزدهم جمعیت دنیا است و ربع اشیاء مصنوعه کرده ارض متعلق بآن می باشد. عایدات سالیانه ملت آمریکا در سال نود هزار میلیون دلار است که بهر سری هفتصد و پنجاه دلار میرسد اعم از بزرگ و کوچک و مرد و زن. باین حساب عایدات متوسط هر خانواده سه هزار دلار است. تصور نباید کرد که این عایدات هنگفت در دست عده محدودی جمع شده باشد زیرا که مطابق احصائیه جمع عایدات کلیه اشخاصی که از ده هزار دلار بیشتر عایدی دارند از نه هزار ملیو تجاوز نمی کند و مابقی متعلق است بسکسانی که سالیانه از ده هزار

1) Palmer E. Pierce

دولار کمتر عایدی دارند. احصائیهٔ مزد کارگر آن نیز نشان میدهد که بطور متوسط هر کارگر هفته ای ۶۵ دلار در مقابل ۴۴ ساعت کار دریافت میدارد. بدلائیل فوق میزان مخارج و در نتیجه وسایل آسایش و راحتی در امریکا از همه جای عالم زیاد تر و در تاریخ بشر نظیر آن دیده نشده است.

این همه عایدات و آنقدر ثمن و راحتی بی دلیل نیست. امریکا يك قطعهٔ بسیار وسیع مجزائی است مملو از منابع ثروت و جمعیت فوق العاده زیاد هم ندارد (جمعیت فعلی امریکا در اروپا در ممالکی که از حیث وسعت خمس آن هستند سکونت دارند) عده کمی از اهالی در اراضی حاصلخیز تولید مواد غذائی برای سایرین میکنند و مابقی وقت خود را صرف خدمات دیگر از قبیل تولید محصولات صنعتی می نمایند.

خلق و سیرت امریکائیهها از حکومتی که برای خود ترتیب داده اند هویدا است. قانون اساسی امریکا کاملاً مال و جان اهالی را حفظ میکند. اختراعات متعلق است به مخترعین. قرار دادهارا نمیشود بر هم زد. حیات و اموال کسی را بدون اجازهٔ قانون نمیتوان از او گرفت و قس علیهذا. قوه قضائی از قوه مقننه و مجریه بکلی منفک است. باین جهت اموالی که قانوناً بدست بیاید محروس و مصون میباشد. همین مسئله موجب ایجاد صنایع و استقلال و زحمت کشیدن و مفید بودن افراد میشود. تمام این عوامل در متمول نمودن ممالک متحدهٔ امریکا اهمیت بزرگ داشته و بهیچوجه نباید از نظر دور شود.

در امریکا در اوقات عادی هیچ کس عمر خود را به بطالت نمیگذراند. از ۱۲۵ میلیون جمعیت قریب نلت آن مشغول ایجاد ثروت و کارهای

مفید هستند. از این عمده سی درصد در تجارت و وسایل نقلیه - ۲۸ درصد در صنایع - ۲۳ درصد در فلاحات - ۱۱ درصد در کارهای شخصی و خانوادگی - ۶ درصد در مشاغل آزاد و ۲ درصد در معادن قوا و عمر خود را بسر میبرند. این مردم تنها در بانکهای ملی ۲۳ هزار میلیون دلار ودیعه گذارده اند. در همین سال ۱۹۳۰ که بحران مالی وجود دارد روزی یازده میلیون دلار صادر و متجاوز از نه میلیون دلار بامریکا وارد مینمایند. در چهل کرور خانه چراغ برق و قوه برق وجود دارد و هر پنج نفر آنها دارای یک اتومبیل است. سالی هزار میلیون دلار خرج شاهراهها میکنند و در هفت ماه سال جاری (۱۹۳۰) هشت هزار میلیون دلار از بابت بیمه جان خود پرداخته اند.

چنانکه فوقاً گفته شد مؤثر و مفید بودن افراد ملت امریکا و ترقیات مالی آنها در وحله اول مرهون خلق و سیرت آنها و فراوان بودن منابع ثروت و فقدان جمعیت زیاده از حد است. در وحله دوم عوامل دخیل است که باید اشاره ای بآنها نیز کرد. امریکا بطور قابل توجهی وسایل تربیت افراد را فراهم میکند و همیشه بخود میبالد که در این مملکت تزییبات تعلیم و تربیت طوری مهیا گشته که هر کس لایق و قابل باشد میتواند لیاقت و قابلیت خود را بروز دهد. تمام اهالی بمدارس ابتدائی میروند و شصت درصد بمدارس متوسطه داخل میشوند و چند روز دیگر که موقع افتتاح مدارس است هشتصد هزار نفر وارد مدارس عالییه خواهند شد. این توجه بمعارف نه فقط از لحاظ سیاسی و اجتماعی اثرات و فواید عمده دارد بلکه از حیث ترقیات